



جلسه ۱۴۶

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات اول از دستور)

یکشنبه ۲۴ شهریور ماه ۱۳۰۹ - بیستم ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان
 خردم ۱۲ تومان
 نك شماره: يكقران
 معذبه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و سوم شهریور ماه ۱۳۰۹ هـ (۲۰ ربیع الثانی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس
- ۲ (بقیه شور لایحه مربوطه باطاقهای تجارت
- ۳ (شور اول لایحه استخدام افراد و ردیف افراد نظمه
- ۴ (تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارتتداب
- ۵ (موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز پنجشنبه شانزدهم شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان -
- ۱ - تهیه و ارسال هر گونه نظریات و اطلاعات راجع
- بامور تجارتي و صنعتی که دولت تقاضا نماید
- خیر (صورت مجلس تصویب شد
- [۲ - بقیه شور لایحه راجع باطاقهای تجارت]
- رئیس - ماده ۲۵ از وظایف اطاقهای تجارت قرائت
- می شود
- ۲ - اظهار نظر راجع باوضاع تجارتي و صنعتی
- حوزه خود با ذکر وسائل اصلاح و توسعه آن تقدیم
- راپرنهای جامع سالیانه راجع بجزایر امور تجارتي حوزه
- ماده ۲۵ - وظایف اطاقهای تجارت بقرار ذیل است
- و عملیات و محاسبات سالیانه خود بوزارت اقتصاد ملی

عین مذاکرات مشروح یکصد و چهل و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده: غائبین با اجازه - آقایان: جدیدی - ملک آراایی
 دکتر طاهری - افسر - چشمدی - مفتحی - بیات ما کو - شهداد - عدل - اعظم زنکنه - فرشی - مصباح فاطمی - فتوحی - لرستانی - مصدق
 جهانشاهی - صادقی - اسکندری - اورنگ - بروجردی - امیر حسین خان - حاج غلامحسین ملک - فولادوند - عباس میرزا - تیپور تاش - احتشامزاده
 غائبین بی اجازه آقایان: امین ابراهیمی - میرزا حسنخان وثوق - فرا کوزلو - بوشهری - مسعود - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل -
 مقدم - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک
 دیر آمدگان با اجازه آقایان: بزرگ نیا - دکتر امیر اعلم - اسدی - افخمی - کاشانی
 دیر آمده بی اجازه: آقای صباه

۳ - اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در کلیه قوانین تجارتي بعمل آید مخصوصاً نسبت بتعرفه گمرکی

۴ - تاسیس دفتر اطلاعات و نشر مجلات واحصائیه های تجارتي.

۵ - تنظیم تعرفه اسامی تجار و مختصات تجارتي آنها

۶ - مساعدت با دولت در پیشرفت اقدامات اقتصادی

۷ - انجام وظایفی که بموجب نظامات یا قوانین علیحده از طرف دولت بعهده آنها واگذار میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا با اصل ماده بنده کاملاً موافقم ولی يك اصلاحاتی را که گمان میکنم هم آقای وزیر و هم آقای مخبر قبول بفرمایند نسبت باصلاح ماده این وظایفی که از برای اطاق تجارت است بعد از آنکه انشاء الله دولت موفق شد و در مرکز مهم تجارتي مملکت تاسیس اطاقهای تجارت را داد وظایف بحسب قانون مجلس شورای ملی برای اطاق تجارت معین میکند که اطاق تجارت هم تکلیفش معین باشد که وظیفه اش چیست. و از حدود وظیفه خودش تجاوز نکند و وظایفش معلوم شد مملکتی که اهالیش وظیفه شان معین شد اصلاح میشود در اینجا ماده ۲۵ متضمن و بیان کننده وظایف اعضاء اطاق تجارت است که چکار کنند در این ماده در جزء دومش بنده يك نظری دارم و پیشنهاد کردم عرض میکنم مینویسد اظهار نظر راجع باوضاع تجارتي و صنعتی حوزه خود با ذکر وسایل اصلاح (حالا اصلاح را تغییرش میدهم با ذکر وسائل تکمیل و توسعه بهتر است چون اصلاح بعد از نقص است) و توسعه آن و تقدیم راپرت جامع سالیانه راجع بجزایران امور تجارتي حوزه و عملیات و محاسبات سالیانه خود بوزارت اقتصاد ملي بنده در این کلمه محاسبات سالیانه گیر دارم بجهت اینکه اطاق تجارتي خودش محاسبه ندارد اطاق تجارتي یکمده هستند که بعنوان مشورت در آنجا جمع میشوند وظیفه که برایشان معین است ترقی دادن و توسعه در امور تجارت و پیشنهاد

کردن بدولت است و محاسبات سالیانه ندارد اگر محاسبات سالیانه نسبت بافرد تجار است آنها يك دفاتری دارند علیحده و ما مكلف نمیکیم اطاق تجارت را که بیابند و محاسبه افراد تجار را راپرتش را به وزارت اقتصاد بدهند پس محاسبه را بنده بطوریکه در مطالعه استنباط کردم همچو تصور کردم که اطاق تجارت محاسبات سالیانه ندارد برای اینکه يك بودجه ندارد بعد بیان میکند پس افراد تجار که محاسبه شان بدست اطاق تجارت نیست هر کس دفتری دارد و دفترش محفوظ است این است که بنده عقیده دارم محاسبات سالیانه برداشته شود و همان طور که پیشنهاد کرده ام نوشته شود که راجع بجزایران امور تجارتي حوزه عملیات خود بوزارت اقتصاد راپرت دهند بعد در جزء سوم يك عبارتي نوشته است که خود آقای فروغی تصدیق میکنند که سیاق عبارت قانون گذراندن مقننی نیست مگر این نظر را داشته باشند نوشته است اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در کلیه قوانین تجارتي بعمل آید اینجا در واقع قانون مکلف میکند که باید تمام قوانین تجارتي را ما اصلاح کنیم شاید بعضی ها واجب اصلاح نباشند پس کلمه باید را اگر کسی موشکافی داشته باشد میفهمد که این جزء از ماده مکلف میکند وزارت اقتصاد ملی را که تمام قوانین راجعه بتجارت را با اصلاح کند چون گفته است اصلاحاتی که باید در کلیه قوانین راجعه بتجارت بعمل آید این است که بنده در این پیشنهاد عرض کردم اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در قوانین تجارتي بعمل آید و نظر بجزء نائیش است که کاملاً وزارت اقتصاد ملی متوجه شده است که مسئله تعرفه گمرکی بعد از اینکه سالهای سال آرزو داشتیم که موفق شویم در يك دوره این تعرفه گمرکی را تغییر بدهیم تازه آمدیم و بدترش کردیم این بی پیر اتومبیل را یکی پانزده تومان گمرک قرار دادیم که خانه ما را خراب کرد و این مدت هشت سال سه چهار سالش گذشته و بنده امید دارم آقای فروغی باشند

و این تعرفه گمرکی را از بین ببرند که خانه ما را خراب کرده است پس نسبت بتعرفه گمرکی مسلماً باید اصلاح شود اما چون کلمه کلیه قوانین است شاید بعضی از قوانین است که محتاج باصلاح نیست از این جهت بنده در آن پیشنهاد خودم عبارت کلیه را حذف کردم و اینطور شده است اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در قوانین تجارتي بعمل آید باعمل میاید این بود پیشنهاد اصلاحی بنده که تقدیم مقام ریاست میکنم.

اعتماد (مخبر کیسیون) - اینجا در قسمت محاسبات که اشکال فرمودند در جزء دوم منظور ما همان محاسباتی است که در ماده ۲۸ بدست میاوریم البته این صدی نیمی که در آن ماده منظور شده باید حساب داشته باشد برای نظارت و کنترل این حساب وزارت اقتصاد ملي از همه بهتر است منظور ما این بوده است و محاسبات تجار را نه دولت و نه کیسیون در نظر نداشته اند بعد در قسمت سوم که فرمودند در قسمت اظهار نظر این لازمه اصلاح و تغییر قوانین نخواهد بود بالاخره يك قوانینی را اطاقهای تجارت تحت نظر میگذارند و اظهار نظری کنند ولی این اظهار نظر ها لازم نیست که اورا تغییر بدهد آن اظهار نظر ها بوزارت اقتصاد ملي میاید و تحت توجه واقع میشود بعد هم بمجلس شورای ملي خواهد آمد و در اینجا تحت مطالعه و مذاقه واقع خواهد شد و این هم اشکالی ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - این جا بنده یکی در قسمت اول ماده بیست و پنج عرض دارم یکی هم در قسمت آخر در قسمت اول میگوید تهیه و ارسال هر گونه نظریات و اطلاعات راجع با امور تجارتي و صنعتی که دولت تقاضا نماید بنده با ضمیمه کردن تقاضای دولت در این قسمت مخالفم دولت گرفتاریهای زیاد دارد و شاید نتواند بعضی تقاضا ها را بکند خود این اطاق تجارت مکلف است که هر گونه اصلاحاتی یا هر چیزی که لازم بداند بدون

تقاضای دولت باید خودش پیشنهاد بدولت بکند. نه اینکه دولت اگر تقاضا کرد آنوقت او نظریات خودش را بنویسد این موافق عقیده بنده نیست باید اطاق تجارت نظریات خودش را و اصلاحاتی را که در نظر میگیرد بدون تقاضای دولت حق داشته باشد بفرستد بلکه تقاضا و استدعای انجام او را هم حق داشته باشد. نظر دیگر در فقره هشت میگوید: انجام وظایفی که بموجب نظامات یا قوانین علیحده. خوب نظامات علیحده يك ترتیبی است که باید با آنها داده شود اما قوانین علیحده کدام است که از طرف دولت باطاق تجارت نرستاده میشود؟ نظاماتی که فرستاده شود آن صحیح است اما قانون بایستی بتصویب مجلس برسد نظر بنده در این دو فقره بود که آقایان توضیح بدهند **کفیل وزارت اقتصاد ملي** - قسمت اول با آنچه که میفرمائید منافات ندارد برای اینکه در قسمت دوم همان نظر آقا نامین شده است آن جایی را که خود اطاق تجارت چیزی بنظرش میرسد و بخواهد بگوید بموجب فقره دو که میگوید: اظهار نظر راجع باوضاع تجارتي صنعتی حوزه خود با ذکر وسائل اصلاح الی آخر این يك تکلیفی است که برعهده اطاق تجارت گذاشته اند که هر نظری دارند راجع باوضاع تجارت و اقتصاد بدهند و البته مقصود آقا هم نیست که دولت ممنوع باشد از این که از اطاق تجارت اظهار نظر بخواهد خوب حالا میفرمائید دولت گرفتاریش زیاد است وزارت اقتصاد کارش همین است يك قسمت از وظیفه اش همین است پس باید اجازه داشته باشد بنا بر این هر دو منظور نامین شده است و اما در باب فقره هفت که فرمودید بموجب نظامات و قوانین علیحده. قوانین یعنی آن چیزهایی که از مجلس شورای ملی میگذرد ممکن است بعد از اینکه اطاق تجارت تشکیل شد عملیات کرد دولت داخل شد در کارهای تجارتي در امور تجارتي يك وقتی امر دائر شد که يك قانونی راجع بیک امر تجارتي در مجلس شورای ملي بگذرد وقتی که آن قانون از مجلس شورای ملي گذشت و بموجب آن قانون محول باطاق تجارت شد مشمول این ماده خواهد شد

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود: پیشنهاد میکنم در ماده ۲۵ جزء دوم ماده کلمه (و محاسبات سالیانه) حذف شود.

پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد میکنم در جزء سوم ماده ۲۵ کلمه (باید) و کلمه (کلیه) حذف شود و کلمه بعمل آید تبدیل به عمل میاید

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود:

ماده ۲۶ - نظریات اطاقهای تجارت مخصوصاً راجع بمسائل ذیل لسی الاقتضا از طرف وزارت اقتصاد ملی خواسته میشود:

- ۱ - درباب وضع یا تفسیر یا اصلاح قوانین مربوطه بتجارت و اقتصاد
- ۲ - راجع بمسائل مربوطه به بورس و بانک و صرافتی و دلالی و عمل بیمه و ترتیب دفاتر تجار و دلالها
- ۳ - راجع بایجاد محاکم تجارنی در حوزه اطاق تجارت.
- ۴ - راجع بنمایشگاههای تجارنی.

- ۵ - قدغن موقتی از حمل و نقل امتعه بخارچه و از خارچه بداخله و اظهار نظر در تزبید و اصلاح صادرات
- ۶ - اصلاح و ترقی وسائل حمل و نقل
- ۷ - تهیه وسائل توسعه و اصلاح امور صنعتی
- ۸ - امتیازات تجارنی.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این ماده ۲۶ تکلیفی است که متوجه میشود بوزارت اقتصاد ملی ولی نظر باصل دوم قانون اساسی بنده اینجا میخواهم به آقای وزیر امور خارجه عرض کنم که این ماده باید نظر خطابه باشد یعنی چه؟ یعنی نظر طبایق و امرار شادی است نه امر الزامی همانچوری که در قانون اساسی هست که آزادی داده شده که مردم متوجه باشند بمصالح خودشان و مصالحی که دارند در روزناجات منتشر کنند تا مجلس شورای ملی و اولیای دولت مطلع شوند و

دهد و بالاخره لفظ محاکم نگویید ما بایستی خیلی به الفاظ اهمیت بدهیم حالا میگویند لفظ اثر ندارد خیر لفظ اثر دارد ما را گیر می اندازند آن کسانی که هشیار هستند و در قوانین ما ناظرند ما می گوئیم محاکم مامستقل است محاکم ما کجا است؟ عدلیه است و البته اگر آقای وزیر اقتصاد این کلمه را تغییر بدهند بهتر است بنده پیشنهاد هم کرده ام راجع به ایجاد کمیسیون های تجارنی در اطاق های تجارت ولی کلمه محاکم را بنده مخالفم دیگر آنکه تصدیق می فرمائید ما همان روحی را که به تجارت میدهم همان روح را ناچاریم بفلاحت بدهیم همینچوریکه شما توجه دارید که تجارت را روح بدهید بوسیله نمایشگاهها باید برای فلاحت هم همین کار را بکنید اهتمام ما باید بامر فلاحین ما باشد و خوب توجه بامر فلاحین بکنیم اگر یکقدری ما مسامحه بکنیم در امر فلاحین شاید یک ذنب لایفتری کرده باشیم این است که من دعوت میکنم مجلس را و هیئت دولت را که تا اندازه که از برای ما ممکن است تقویت بکنیم راجع به امور فلاحتی این است که عقیده دارم نوشته شود نمایشگاههای تجارنی و فلاحتی هم اضافه شود که اینهم یکی از متوفیات باشد و کم کم زنده شود.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت اول فرمایشات

آقا همینطوریکه فرمودند این کلمه لسی الاقتضا که نوشته شده برای این است که مسلم و محرز باشد که این یک امر الزامی نیست برای دولت که در وضع قوانین راجع به تجارت و اقتصادیات حتماً باید باطاق تجارت مراجعه بکنند. البته بهتر این است که بکنند و شاید هم در همه موارد مراجعه بکنند ولی همینقدر خواستند معلوم باشد که الزامی نیست. در باب محاکم تجارنی هم که فرمودند اولاً این جا بنده باید توضیح بدهم که بودن محکمه تجارت منافات با استقلال قضائی ما ندارد اکثر ممالک دنیا آنهایی هم که هیچ کاپیتولاسیون در آنجا نبوده و نیست و استقلال نام دارند محاکم تجارت دارند و محاکم تجارت هم در هر جا که باشد باز جزء وزارت عدلیه است جزء محاکم قضائی

است منتهی این است که بنده این را متوجه نبودم بواسطه اینکه این سه چهار سال گذشته در ایران نبودم که کاملاً از جریان عدلیه و قوانینی که برای عدلیه وضع شده یا نسخ شده مطلع باشم و این را این جا گذاشته بودم باعتبار اینکه ما سابقاً محاکم تجارنی داشتیم و سابقاً هم که محاکم تجارنی داشتیم نه من باب کاپیتولاسیون و ملاحظه عدم استقلال قضائی بود هیچ مربوط بخارجه نبود بلکه محاکمی بود فقط راجع به تجار داخله آنهم جزء وزارت عدلیه بوده تحت امر و قوانین وزارت عدلیه بود. حالا معلوم میشود از قراریکه به بنده تذکر دادند (آقای یاسائی هم متذکر شدند) وزارت عدلیه چنین مقتضی دیده است که یک محاکم خاصی از برای تجارت نباشد خوب این یک مسئله دیگری است ممکن است مطلب اینطور باشد که تجار هم در امور تجارنی وقتی مراجعه میکنند باید مثل وقتی که بنده محتاج میشوم بمراجعات بهمان محاکم عادی مراجعه میکنم آنها هم مراجعه بکنند بانجا در صورتیکه اینطور است و آقایان یقین دارند که محاکم تجارنی مخصوصی نداریم آنوقت اساساً این فقره سوم باید حذف شود ولی میخواستم این را در نظر داشته باشند که مسئله محاکم تجارت و بودن آن هیچ ربطی به کاپیتولاسیون و استقلال قضائی ما ندارد ممکن است باز فردا نظر دولت این باشد که محاکم تجارنی علیحده داشته باشیم که تجار در مراجعاتشان بانجا رجوع کنند و مجبور نباشند بمحاکم عادی رجوع کنند این را بنده اینجا عرض میکنم تا تشویبی از این راه نباشد و اما در باب نمایشگاه که فرمودید بنده مخالفتی ندارم. با اینکه اضافه بفرمائید کله فلاحتی را و نمایشگاه تجارنی و فلاحتی باشد ولی اگر این جا ننوشتم برای این است که اطاق تجارت را ما بیشتر همش را مصروف بامور تجارت میدانیم و بعید میدانم که یکوقت اطاق تجارت راجع بفلاحت و نمایشگاه های فلاحتی بیاید اظهار نظر بکنند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض بنده همان عرضی است که در آنجا کردم در این جا نوشته نظریات اطاق های تجارت مخصوصاً راجع

بمسائل ذیل لدى الاقتصا از طرف وزارت اقتصاد ملی خواسته میشود. بنده عقیده دارم این جا اضافه شود اطاق تجارت مکلف است نظریات خودش را در مسائل ذیل بدولت پیشنهاد نماید عبارت طوری نوشته شود که اطاق تجارت مکلف باشد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - این همان ماده ۲۵ است و برای این نوشته شده است که وظائف اطاق تجارت را معین بکنند یعنی آن کارهایی که باید بکنند در قسمت اول هم اعتراض فرمودند و بنده توضیح دادم وظیفه است تکلیف است از برای اطاق تجارت که هرگاه دولت خواست نظریات خودش را بدولت بدهد خودش هم اگر نظریاتی داشته باشد بدهد اینماده راجع بدولت است در واقع تکلیفی است بر دولت منتهی بطوریکه آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند و بنده هم توضیح دادم الزام نیست اما به يك نحو ارشادی تکلیف بر دولت است. خواسته اند که در اینماده نموده شود که در این موارد بهتر این است که وزارت اقتصاد ملی وقتی میخواهد يك کاری بکند باطاق تجارت مراجعه کند منتهی البته اگر بوقت هم مصلحت ندانند نکنند نکردند.

رئیس - آقای موید احمدی.

موید احمدی - عرض کنم که سابقاً در اغلب شهرهای ایران محکمه تجارت تشکیل نمیشد و همان محاکم ابتدائی هر وقت کار تجارتي پیدا میشد مطابق قوانین تجارتي رسیدگی میکرد محکمه مخصوصی باسم محکمه تجارت در اغلب شهرها نبود. فقط در مرکز يك محکمه باسم محکمه تجارت بود. اخیراً در کمیسیون عدلیه که بنده هم عضویت داشتم اینطور قرار شد که مرکز هم مثل ولایات باشد محکمه تجارت هم مثل محکمه ابتدائی جزو محاکم بدایت باشد هر وقت کار تجارتي هست مطابق قوانین تجارت رفتار کنند چون آقای وزیر خودشان قبول فرمودند که این فقره حذف شود بنده هم این پیشنهاد را کرده بودم که این فقره از اینماده حذف شود.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد آقای موید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم فقره ۳ از ماده ۲۶ حذف شود

پیشنهاد آقای باسائی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم فقره سه ماده ۲۶ حذف شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۶ جزو سوم عوض محاکم

نوشته شود کمیسیونهای تجارتي الخ و در جزء چهارم بعد از کلمه تجارتي (فلاحی)

رئیس - ماده ۲۷ خوانده میشود

ماده ۲۷ - رأی اطاق های تجارت مشورتی و از

لحاظ صلاح اندیشی است و دولت در اجرای تصمیمات

اطاقهای تجارت همیشه مخیر میباشد مطالبی که دولت

بأنها رجوع میکند اگر مربوط بمنافع محلی است فقط

باطاق تجارت آن محل و اگر عام المنفعه است از تمام

اطاق های تجارت استشاره میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا هم باز نظر اصلاحی است

بآقای وزیر هم عرض کردم این کلمه مخیر خیلی عبارت

چیزی است یعنی موافق با عبارتهائی است که در این مواد

است ولی بنده اصولاً معتقدم که تبدیل به آزاد است شود

در اینجا نوشته: رأی اطاق تجارت مشورتی و از لحاظ

صلاح اندیشی است و دولت در اصول تصمیمات اطاق

های تجارت همیشه مخیر میباشد و آقای مخیر را توجه

میدهم باین که باز این جا مینویسد: مطالبی که دولت

بأنها رجوع میکند اگر مربوط بمنافع محلی است فقط

باطاق تجارت آن محل و اگر عام المنفعه است از تمام اطاقهای

تجارت استشاره میشود این هیچ ربطی باین ماده ندارد و

عقیده ام اینست که این را هم يك ماده علیحده کنید

این قسمت آزاد است که تمام شد بعد در يك ماده علیحده

در ماده ۲۸ نوشته شود مطالبی که دولت بآنها رجوع

میکند الی آخر آن هم دیگر بنام اطاقهای تجارت نباشد اینها دیگر مثل ما که وکیل طهران هستیم وکیل تمام ایرانیم نیستند اینها وکیل تجارت کیلان هستند دیگر نباید بامور تجارتي طهران رسیدگی کنند و نباید مداخله کنند در تمام تجارت ایران هر کس نظرش بحوزه خودش است و مشورتش مربوط بآنجا است اینست که بنده پیشنهاد کردم از آن عبارت مطالبی که دولت الی آخر ماده از اینجا مجزی شود و ماده علیحده گردد و آن کلمه مخیر هم تبدیل بآزاد شود

رئیس - آقای فیروز آبادی بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده نظرم بر خلاف نظریه ایست

که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اینجا نوشته است: رأی

اطاق تجارت مشورتی و از لحاظ صلاح اندیشی است و

دولت در اجرای تصمیمات اطاقهای تجارت همیشه مخیر

میباشد مطالبی را که دولت باینها رجوع میکند فلاحی

الی آخر در اینجا بعقیده بنده اطاقهای تجارت دیگری

نتیجه میشود بجهت اینکه اطاق تجارت خودش حق

ندارد بگوید که این مطلب باید باشد یا نباشد فقط باید

به نشینند و فکر کنند اگر مطالبی خوبست بدولت بگویند

خوبست دولت هم اگر میخواهد میکند نمیخواهد نمی

کند و بنده می بینم اگر اینطور باشد کار اطاق تجارت

چندان نتیجه ندارد و اختیار با خود دولت بوده هست

باین ملاحظه بنده عقیده ام این است که اطاق تجارت

بیشتر از این بهش اهمیت داده شود که يك حق رأی

و حق کاری هم داشته باشد و الا اگر اینطور باشد که

موافق میل دولت اگر شد قبول کند نشد قبول نکند

مثل حالا می شود و بی نتیجه بنظر می آید باین ملاحظه

بنده مخالفم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض کنم فلسفه اطاق

تجارت اینست که وزارت اقتصاد خودش را محتاج دانسته

است که در امور تجارت با تجار مشورت کند وجه

تسمیه اش را اینطور دانسته ایم که اینمؤسسه را داشته

باشیم که هر وقت محتاج میشویم در امور تجارتي با تجار

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۷ عوض کلمه مخیر تبدیل

شود بکلمه آزاد و از کلمه مطالبی الی آخر ماده علیحده شود

رئیس - ماده ۲۸ قرائت میشود:

ماده ۲۸ - بودجه اطاقهای تجارت از محل های ذیل

تأمین میشود:

۱ - عوارضی که بنام اطاق تجارت از تجار گرفته

خواهد شد و آن معادل است با صدی نیم مالیاتی که هر

تاجر بعنوان جواز بدولت میدهد

۲ - حق الزحمه که اطاقهای تجارت در مقابل انجام

خدمات معینه با تصویب دولت اخذ می نمایند

۳ - منافع مؤسسائی از قبیل مجله و امثال آن که

اطاق تجارت تاسیس نماید

۴ - وجوهی که اعضاء اطاق تجارت یا سایر تجار

بطور دلخواه باطاق تجارت میپردازند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده این جا می بینم در این ماده

باز يك عوارضی بتجارت دارد بسته میشود و این عوارضی

که بسته میشود اول سهل و کوچک و بی نام است بعد

کم کم اسباب زحمت میشود بلی اگر تجار انشاء الله بعد

ها صاحب ثروت شدند تجارت ما رواج پیدا کند اهمیت

ندارد اما با وضعیات فعلی و امروزه و با آن مالیاتی

که از بابت حق جواز اینها ما تصویب کردیم گرفته

شود بنده دیگر مقضی نمیدانم که يك مالیاتی هم امروزه

بعنوان اطاق تجارت از آنها بگیریم. دیگر اینکه این جا

نوشته معادل صدی نیم مالیاتی که هر تاجر بعنوان جواز بدولت میدهد. اولاً در اصلش عقیده ندارم. در طرز گرفتنش هم نمیدانم صدی نیم از چه گرفته میشود؟ از مقدار تجارتی است که او می کند؟ از مقدار سرمایه است؟ از مقدار داد و ستدی است که او دارد؟ از مقدار چه چیز صدی نیم گرفته میشود؟ بنده این را نفهمیدم. در فقره دوم میگوید: حق الزحمه که اطافهای تجارت در مقابل انجام خدمات معینه با تصویب دولت اخذ می نمایند. یعنی مثلاً کار تجار را اصلاح می کنند و ده یک و ده نیم میگیرند؟ از این با بتها است؟ پس با تصویب دولت معنایش چه است؟ با امضای مجلس است؟ بدون امضای مجلس است؟ چون بنده این ترتیبات را نفهمیدم و نمیدانم میخوام توضیح داده شود که ملتفت این مطالب بشوم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض کنم در باب عوارضی که فرمودند مخالفند حالا اگر اساساً ایشان با عوارضی که از تجار گرفته میشود مخالف باشند البته لابد این را هم باید مخالفت کنند ولیکن آن اعتراضی که فرمودند وتردید و تشکیک فرمودند که این صدی نیم از چه گرفته می شود. این واضح است اگر مراجعه بقانون مالیات تجار که اخیراً وضع شده است بفرمایند آنجا ملاحظه می کنید که یک جوازی برای تجار مقرر شده است که هر کس بخواهد تجارت کند باید جواز داشته باشد. جواز هم درجات دارد. اول و دوم و سوم درجات معلومی است که از اول سال تا آخر سال سالی صد تومان صد و پنجاه تومان یا دویست تومان باید بدهد از برای آن جواز. این جا که هیچ شبهه در کار نیست و آن مالیات جواز را هم مأمورین مالیه میگیرند این جا گفته شده است...

فیروز آبادی - مثلاً دویست تومان یکتومان؟ (صدای زنگ رئیس)

کفیل وزارت اقتصاد ملی - از دویست تومان یکتومان آن کسیکه دویست تومان بدولت مالیات میدهد یکتومان هم برای خاطر اطاق تجارت خواهد داد. اولاً این چیز خیلی خفیه است

خود را از حقوق اعضاء و اجزاء و کرابه محل و مخارج مؤسسات تابعه و غیره تنظیم نموده و پس از تصویب وزارت اقتصاد ملی اعلام و بموقع اجرا می گذارد

رئیس - مخالفی ندارد ماده سی قرائت میشود:

ماده ۳۰ - اطافهای تجارت می توانند پس از وضع مخارج مصوبه مازاد عایدات مختلفه خود را برای مخارج فوق العاده و پیش بینی نشده ذخیره نمایند.

رئیس - ماده سی و یکم.

ماده ۳۱ - اطافهای تجارت بوسیله جرائد بالوایح و مجلات مخصوص بخود صورت کامل مذاکرات جلسات خویش و با خلاصه از آن را برای اطلاع عامه منتشر مینماید بعلاوه در آخر هر سال منتهی تا دو ماه از سال بعد گذشته راپرت عملیات و وضعیات مازاد و صورت خلاصه عایدات و مخارج خود را نیز باید باطلاع عموم برساند فقط مطالبی که از طرف دولت و بناخود اطاق تجارت مکتوم بودن آنها لازم دانسته شود انتشار نمی یابد

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد - خیر) ماده سی و دوم قرائت میشود:

ماده ۳۲ - ترتیب انتخاب هیئت رئیسه ووظایف آنها حضور و غیاب اعضاء وعده جلسات و غیره در ضمن نظام نامه مخصوص از طرف وزارت اقتصاد ملی تعیین خواهد شد

رئیس - ماده سی و سوم:

ماده ۳۳ - اطافهای تجارت در مسائل سیاسی حق دخالت و مذاکره ندارند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - این جا بنده یک توضیحی می خواستم عرض کنم که سابق مگر حق دخالت اطاق تجارت در امور سیاست داشت؟ یا اینکه توهمی میرفت که آنها حق دخالت در سیاست را داشته باشند که این جا منع شده است؟ محل توهم نیست که آنها دخالت در سیاست دارند یا ندارند که در این ماده ما حق دخالت در سیاست را از آنها سلب

می کنیم باین ملاحظه بنده گمان می کنم این ماده زیبای است.

کفل وزارت اقتصاد ملی - احتیاطی است اقا ما کردیم بجهت اینکه شاید یک وقتی تجاری که انتخاب میشوند برای اطاق تجارت خیلی دماغ سیاسی داشته باشند و بخواهند مداخله در امور سیاسی بکنند باین ملاحظه بنده است که نوشته شده فقط با مور تجارتمی رسیدگی کنند

رئیس - ماده سی و چهارم:

ماده ۳۴ - اطافهای تجارت میتوانند در مسائلی که مربوط بوظایف آنها میشود برای کسب اطلاع مستقیماً با وزارت خانه ها و ادارات دولتی مکاتبه نمایند لکن راپرت های سالیانه اطافهای تجارت و پیشنهاد و نظریات آنها نسبت بمسائل مختلفه اقتصادی و همچنین صورت جمع و خرج آنها منحصرأ باید بوزارت اقتصاد ملی ارسال شود

رئیس - ماده سی و پنجم:

ماده ۳۵ - دولت میتواند بر حسب پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی هر یک از اطافهای تجارت را منحل نماید مشروط بر اینکه بلافاصله اعلان تجدید انتخابات را منتشر و منتهی در ظرف سه ماه از تاریخ اعلان انحلال اطاق تجارت جدید را مفتوح سازد.

در مدت انحلال هر یک از اطافهای تجارت نگاهداری آرشیو اثابیه و دارائی اطاق مزبور بعهده وزارت اقتصاد ملی است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خود آقای کفیل محترم توجه داشته اند که نظریات بنده نسبت باطاق تجارت تا چه اندازه موافق بوده بناسیاست دولت و کاملاً هم موافق هستم ولی در این ماده ۳۵ یک اختیاری داده شده است برای انحلال اطاق تجارت بطور مطلق بنده با این مخالفم اگر نظر حضرت اشرف باشد قانون اساسی نسبت بانحلال مجلس شورای ملی یک شرایطی دارد. هر مؤسسه هر چیزی که قانوناً وضع و واقع شد فوراً بیک اختیار مطلق یعنی بنده عقیده ندارم فوراً رای بدهیم بیک پیشنهاد او منحل شود مثلاً بلدییه را

بعد از آنکه ماقانونی کردیم اگر بخواید منحل شود بمجرد پیشنهاد وزیر داخله هیچ عقیده ندارم حالا اطلاق تجارت هم گرچه روح مطالبش را ما بدست وزارت اقتصاد داده‌ایم در خرج هم خودتان مواظب بودید بنده کاملاً با شما موافق بودم که اقتصاد را باید کاملاً دولت درش نظر داشته باشد و چاره هم ندارد اما اینکه هر وقت وزارت اقتصاد ملی بخواید اطلاق تجارت را منحل کند بنده مخالفم مگر اینکه خودتان توضیح بدهید این نه اینست که هر وقت بخوایم بگوئیم در فلان اداره تجارت با دز فلان شعبه اش يك را برتی می‌آید از آنجا بفلان رئیس از آنجا بمدير يك دفعه اطلاق تجارت پس يك شرایطی خودتان با آن صلاح اندیشی و علاقه مندی که بمؤسسات ملی دارید توجه داشته باشید و در تحت يك شرایطی باید بنویسیم انحلال پیدا میکند نه بمجرد اینکه وزارت اقتصاد ملی پیشنهاد کرد. پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی باید شرایط داشته باشد باین شرط به تخلف کردن به مداخله کردن در امور سیاست يك چیزی که ضرر اساسی از برای ملک و ملت داشته باشد و الا بمجرد این بنده مخالفم

کفیل وزارت اقتصاد ملی - اولاً توجه میدهم خاطر آقا را باینکه این مفاسد و مضراتی که برای انحلال مجلس شورای ملی یا از این که يك قدری باین تر بیائیم مجالس ملی دیگر از قبیل انجمنهای بلدی، ایالتی، ولایتی می‌توان تصور کرد نسبت باطلاق تجارت نیست بجهت اینکه مجالس ملی از قبیل مجلس شورای ملی مجلس بلدی اینها در واقع يك مؤسسات ملی هستند حافظ حقوق ملت هستند نماینده ملت هستند انتخاب آنها را هم ملت میکند این را بکلی بدولت واگذار کردن کار صحیحی نیست هر چند که در ممالک دیگر اینهم هست و غالباً در قوانین اساسی دول اگر ملاحظه فرمائید دولت حق منحل کردن مجلس را دارد منتهی همینطور که ما از برای اطلاق تجارت قید کردیم مکلف است باینکه این مجلس را که منحل میکند اعلان انتخابات مجلس دیگری را بدهد و مجلس را هر قدر میل

اهمیت دارد او جدیت میکند و در اینجا هیئت دولت می‌بیند که اگر خیر واقفاً تقاضائی که وزیر دارد بیجا است و هوسرانی است رد میکند و قبول نمیکند و وزیر استعفا میدهد می‌رود پی کارش و اگر به‌بیند خیر وزیر حق دارد و این قدر امر مهم نیست که با او مخالفت کنند او را مجبور باستعفا کنند موافقت میکنند این موضوع آقدر مهم نیست که بگوئیم باید دقت شود و يك شرایطی برایش مین شود.

رئیس - ماده سی و ششم قرائت میشود:

ماده ۳۶ - وزارت اقتصاد ملی مأمور اجرای این قانون است.

رئیس - مخالفی نیست. رای میگیریم برورد در شور نانی موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

[۳ - شور اول خبر کمیسیون داخله راجع باستخدام افراد نظمی]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع باستخدام اعضاء نظمی مطرح است. شور اول و مذاکره در کلیات است.

آقاسیدیه‌قوب - مخالفی ندارد.

رئیس - رای میگیریم برورد در شور موادموافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول:

ماده ۱ - افراد وردیف افراد نظمی جزء مستخدمین رسمی دولت محسوب خواهند بود.

تبصره ۱ - افراد عبارتند از مأمورین پلیس انتظامی و ردیف افراد از مأمورین پلیس تأمیناتی و حقوق هر دو قسمت در هر سال مطابق بودجه مصوب تشکیلات نظمی تأدیه خواهد شد.

تبصره ۲ - مستخدمین جزء نظمی (پیشخدمت و سرایدار و امثال آن) تابع مقرراتی خواهند بود که برای مستخدمین جزء سایر وزارتخانه‌ها مدون است

رئیس - آقای آقاسیدیه‌قوب

آقاسیدیه‌قوب - بنده خیلی اظهار خوشوقتی میکنم

از اینکه وزیر محترم داخله موفق شد که این لایحه قانونی را از برای مستخدمین ما که افراد نظمی باشند بیارند و خیلی من مایل بودم حقیقه که در دوره که در مجلس بودم يك خدمتی باین مؤسسه هم بشود مؤسسه نظمی حالا هر چه میگویند بگویند تصدیق میکنم و حقیقه هر کس دارای يك انصافی باشد که يك مؤسسه جدیدی است و این مؤسسه جدید بطور خوبی از عهده کارش برآمده است و کاملاً محل اطمینان دولت و ملت است و حقیقه من خرسند و خوشحالم که می بینم افراد پلیس ما با آنکه مدتها از عمر آنها نگذشته شاید بیست سال بیشتر نیست که مؤسسه نظمی در مملکت ما دایر گشته است باندازه مرتب و منظم و حفظ حقوق باین اندازه که حقیقه برای مؤسسه جدید است میکنند خصوصاً راجع به تشکیلات تأمیناتی خیلی محل خوشوقتی است از برای بنده خیلی خوشم می‌آید و خیلی امیدوار هستم با اینکه جدید است روز بروز بر ترقی او افزوده شود و همه میدانند که بهترین مملکت مملکتی است که نظمی‌اش بهترین نظمی‌ها باشد و در ممالک متمدنه هر جا که نظمی‌اش محکمتر است آن ملت اطمینانش بیشتر است و امنیتش از هر جهت محکمتر است هر چه ما تقویت بکنیم بروج نظمی بتأمینات تقویت کرده ایم از اینجهت دولت آمده است از افراد نظمی که متحمل این زحمات میشوند حق شناسی کرده است و آنها را خواسته است داخل در مستخدمین رسمی قبول کند کاملاً بنده موافقم يك پلیس يك آزائی زحمت میکشد شب و روز در سر خدمت است بعد از آنکه پیرشد یا ناخوش شد یا فلان شد باو بگویند برو سلامت این معنی ندارد کسی که شب و روز وقت خودش را صرف خدمت و تأمین کرده است باز خیلی خوب کرده اند اینها را داخل در مستخدمین رسمی کرده‌اند ولی بنده این را با آقای مخبر و آقای وزیر عرض میکنم برای خاطر توافق ما بین این دو قانون قانون استخدام کشوری مستخدمین رسمی را نسبت ببودجه شان در ماده ۱۶

است یا ۱۵ (توانستم نگاه کنم وقت پیدا نکردم) در آنجا راجع به اشل معین کرده اند بنده خواستم توجه بدهم و الا عرض کردم با وضع قانون موافقم و هر چه عرض میکنم برای اصلاح قانون و تقویت کردن روح نظامنامه است اینجا آمده است راجع باشل حقوق آنها طریق دیگری، وضع کرده است و مطابق قانون اساسی حقی است که قانون اساسی بمجلس داده است بودجه در دست مجلس است نهایت وزیر پیشنهاد میکند مؤسسه نظمی پیشنهاد میکند به وزیر داخله و وزیر داخله پیشنهاد میکند بمجلس مجلس میرود در کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه معین میکند اما حق را ما باید ادا کنیم در اینجا نوشته است که افراد و ردیف افراد جزء مستخدمین رسمی دولت هستند این بر میگردد بقانون استخدام فعلی که مستخدمین رسمی میشوند مستخدمین رسمی که شدند مطابق قانون استخدام کشوری باید حد اقل اشل استخدام آنها را سال بسال بر حسب پیشنهاد نظمی به وزارت داخله و وزارت داخله بمجلس بیارود و درست شود تا اینکه قانون ما مطابق باشد با اینکه ما بگوئیم با افراد نظمی که شما مستخدم رسمی هستید نه اینکه بگوئیم اشل در دست دیگری است خیر بنده میل دارم بنده یارفتای من یا اخلاف ما که بعد می خواهند حق گذاری برای نظمی بکنند اشل در دست دیگری باشد مطابق قانون استخدام اشل مستخدمین در دست مجلس است این ماده را این جا بیاریم. این جا نوشته شود افراد و ردیف افراد نظمی جزء مستخدمین رسمی دولت محسوب خواهند شد و حقوق آنها مطابق ماده شانزده قانون استخدام کشوری معین میشود. اگر بخواهند حقیقه روح بدهند با افراد نظمی اینطور است این است عقیده بنده و اصلاحش را هم اگر قبول می کنند بکنند و الا پیشنهاد می کنم.

وثوق (مخبر کمیسیون داخله) - این بیاناتی که فرمودید راجع باینکه افراد و ردیف افراد نظمی جزو مستخدمین رسمی هستند این معنایی را که فرمودید مقصود نیست. اگر ماده ششم این قانون را می خواندید

ماده ششم تطبیق کرده است خدمات آنها را با درجانی که دارند مثل وکیل درجه سوم وکیل درجه دوم وکیل درجه اول و مقصود از این ماده این بوده است که افراد پلیس بتوانند از قانون استخدام از حیث تقاعدش و چیز های دیگری استفاده کنند نه اینکه مطابق قانون استخدام باشد اگر اینطور بود يك ماده علیحده می آوردند و جزو سایر مستخدمین محسوب شان میکردند. باین جهت است که اینطور پیشنهاد شده است جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ داوطلبان باید دارای شرایط ذیل باشند:

- الف - تبعیت ایران.
- ب - عدم محکومیت بقیام و اقدام بر علیه حکومت ملی
- ج - عدم محکومیت بجنایت و همچنین جنحه که مستلزم محرومیت از حق استخدام دولتی باشد
- د - عدم معروفیت بفساد عقیده و اخلاق.
- ه - معتاد نبودن با استعمال آفیون و الکل.
- و - مبتلا نبودن با امراض مسریه
- ز - سن داوطلبان پلیس انتظامی کمتر از ۲۲ سال و زیاد تر از ۳۵ سال و سن مأمورین پلیس تأمیناتی کمتر از ۲۵ و زیاد تر از ۳۵ سال نباشد
- ح - داشتن بنیه قوی و صحت مزاج
- ط - قد مأمورین پلیس انتظامی کمتر از يك متری و ۶۴ صدم نباشد
- ی - نسبت بمأمورین پلیس تأمیناتی دارا بودن تصدیق تحصیلات شش ساله ابتدائی یا دادن امتحان موادی که برای آن معین شده است
- تبصره - داوطلبانی که دوره نظام وظیفه را پایان رسانیده اند نسبت بسایرین حق اولویت خواهند داشت و در موقع لزوم استخدام افراد و ردیف افراد اداره تشکیلات نظمی از نظام وظیفه داوطلب خواهند خواست.
- رئیس** - آقای آقا سید یعقوب
- آقا سید یعقوب** - بنده ناچارم ماده دوم را شرح

بدهم که بعد آقای مخبر يك جوابی ندهند که خارج از موضوع است. بنده نکتتم که اشل سی و دو تومان باشد بنده گفتم وقتی مستخدم رسمی واقع شد باید اشل را بمجلس شورای ملی معین کند نکتتم که همان اشل وزارتخانهها باشد چرا در عرض من توجه نمبرمائید؟ بنده میگویم وقتی که مستخدم رسمی شد مستخدم رسمی اشلش دست مجلس است بنده میل ندارم اینطور قانون از مجلس بیرون برود. این قانون استخدام کشوری است آقایان گوش نمیدهند به عرض بنده آنوقت میگویند فلان شما گفتید مستخدم رسمی آنوقت اشلش دست دیگری است مستخدم رسمی که واقع شد باید اشلش دست مجلس باشد همه ما قسم خورده ایم بقانون اما آمدیم سر این ماده در اینجا خود آقایان از عقاید بنده نسبت با افراد نظمی مستحضر شدند در مالک دیگر افراد پلیس را پدر بزرگ میگویند اینقدر عواطف مابین ملت و افراد ملت است قهراً این مسئله را که ما میگوئیم معنایش باید در ایران واقع شود. سن ۲۲ سال هم بعقیده بنده کم است سن پلیس تأمیناتی ۲۵ سال بنده مخالفم بنده عقیده ام اینست که روابط مابین خودمان و قوای تأمینیه مان روابط مثل مابین روح و جسد است خودم بیست و دو ساله بودم با در دیوار جنگ داشتم حالا شما می فرمائید که ما خیلی نجیب بودیم بنده اینطور نبودم ۲۲ سال آن حرارت جوانی با انتظامات باملایمت با رتوفت بنده عقیده ندارم عقیده ام این است که پلیس انتظامی ما سی سال باشد و پلیس تأمیناتی سی و پنجسال تا چهل سال از سی و پنجسال کمتر نباشد. حالا آقای یاسائی يك عقیده دارد و میگوید باید ریشدار نباشد و تمام جوانهای پانزده ساله باشند این يك عقیده ایست اما تصدیق میفرمائید که اگر مستخدمین قوه تأمینیه مان بیش از سی داشته باشند پیشنهاد هم می کنم پلیس تأمینات هم از سی و پنج سال بیالا از این جهت روح تأمیناتی کمتر از این را بنده عقیده ندارم نهایت اطمینان و اعتقاد را من با افراد نظمی دارم و ما باید در این راه بکوشیم و این روح اطمینان و اعتقاد را تقویت بکنیم و هر چه این روح

بتر است این است که بنده پیشنهاد میکنم پلیس انتظامی از ۳۰ سال کمتر نباشد و پلیس تأمیناتی از ۳۵ سال

وزیر داخله (آقای سمیعی) - عرض میکنم بنده اولاً میخواهم از احساسات آقای آقا سید یعقوب تشکر بکنم که نسبت به نظمی اینطور حسن عقیده دارند و البته هم اینطور است و نظمی یکی از مؤسساتی است که کاملاً بوظایف خودش رفتار کرده است اما راجع به سن که میفرمائید عرض میکنم آران باید بهمین سن انتخاب شود زیرا اگر سنش بیشتر از این باشد باید اقرار بفرمائید که هیچ معتنه نخواهند بود باینکه آران بفرمند شود از خدمتش برای اینکه اگر ما آران را از سی سالگی بگیریم و مستخدمین نظمی را از سی و پنج سال بگیریم و در این سن وارد خدمت بشوند دیگر آنوقت مملکت از وجود او بهره مند نخواهد شد بعلاوه با این شرایطی که در اینجا قید شده که مستخدمین باید انتخاب شوند مساها يك اشخاصی انتخاب خواهد شد متصف بصفات حمیده باشند و آن خیالاتیکه تصور میفرمائید البته نیست و این سن ابتدای جوانیشان است که از وجودشان میتوان استفاده کرد و مدتهم برای خدمت آنها و بهر مندی از خدمت خودشان دارند و هیچ مورد نگرانی نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

ماده ۳ - ابتدای مدت خدمت مأمورین پلیس انتظامی و پلیس تأمیناتی پس از طی دوره سه ماهه تعلیمات اختصاصی مدرسه نظمی خواهد بود

رئیس - ماده چهارم

ماده ۴ - افرادی که بخدمت نظمی داخل میشوند باید بر طبق ماده ۷ قانون استخدام کشوری قسم یاد نمایند

رئیس - ماده پنجم

ماده ۵ - افراد و ردیف افراد در موقع ورود بخدمت باید ورقه تعهدنامه دائر بر اینکه تا مدت سه سال حق استغای از خدمت را نخواهند داشت امضاء و تسلیم نمایند

و چنانچه در ظرف یکماه پس از انقضای مدت سه سال تقاضای معافیت از خدمت نمودند تا مدت سه سال دیگر حق استعفاء نخواهد داشت و اداره نظمیہ نیز مکلف است در ظرف مدت یکماه مزبور ورقه تعهد نامه برای سه سال دیگر از آنها در یافت دارد

تبصره - مأمورینیکه بخدمت پذیرفته میشوند در صورتیکه از عهده انجام خدمت خواه بر نیامد یا ابراز عدم لیاقت نمایند از خدمت نظمیہ اخراج خواهند شد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده در قسمت تبصره ماده ۵ است که مینویسد افراد در صورتیکه ابراز عدم لیاقت نمایند از خدمت نظمیہ اخراج خواهند شد در ماده ۱ مینویسد که اینها مستخدم رسمی دولتند در اینصورت وزارت داخله با این افرادی که اخراج میکنند چه معامله خواهد کرد اینها اگر مستخدم رسمی هستند با آنها حقوق انتظار خدمت یا تقاعد خواهد داد یا آنها را اخراج میکنند و میروند بی کار خودشان انوقت چه صورتی پیدا خواهد کرد این ماده با آن ماده به عقیده بنده تناقض پیدا میکند

ولیر داخله - البته نماینده محترم تصدیق میفرمایند که شکل و نوع خدمت نظمیہ غیر از آن است که در سایر وزارت خاها معمول است بنا بر این اگر یک کسی پیدا شود که از عهده انجام وظیفه خودش بر نیاید این دیگر از مزایای استخدام کشوری بهره مند نخواهد شد و اخراج میشود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا در ماده نوشته است تا سه سال حق استعفا ندارند سال اول خوب یک چیزی است نظمیہ اشخاصی را میگیرند و آنها را تا سه ماه در مدرسه میکذارند و مخارجی متحمل میشود و لابد باید تا سه سال از وجود آنها استفاده کند از اینجهت حق استعفاء در ظرف سه سال اول را ندارد اما بعد از سه سال اول نوشته در ظرف یکماه پس از انقضای مدت سه سال این قسمت را بنده عقیده ندارم بجهت اینکه اسباب زحمت این بی

این است که قبول کرده و دیگر تاسه سال دیگر نمیتواند استعفاء بدهد و ورقه تعهد را در همان ماه اول باید بدهد چرا در ماه چهارم و پنجم بدهد که اسباب زحمت باخرج برای دولت فراهم شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده از جوابی که آقای وزیر با کلام یک از آقایان بودند نمیدانم باقی اعتبار دادند قانع نشدم مگر اینکه ما در اینجا یک تبصره زیاد کنیم و یک مدتی را از برای امتحان در خدمت قرار بدهیم یعنی این افرادی که پذیرفته میشوند یک موعده مدت امتحان ایشان است از اول که اینها وارد خدمت میشوند جزو مستخدمین رسمی هستند و قواعد و آثار مستخدمین رسمی قهراً باید بر اینها مترتب شود پس این دیگر معنی ندارد مگر اینکه ما بگوئیم مادر نظامنامه اجرای این قانون همچو قرار میدهیم که آن کسانی که پذیرفته شده اند و وارد اداره پلیس شده اند سه ماه - شش ماه موعده امتحان ایشان است و بعد از آنکه امتحان دادند دیگر اخراج نمیشوند و این ۶ ماه موعده است که اگر از عهده خدمت بر نیامدند اخراج میشوند و اگر برآمدند که مستخدم رسمی است در هر حال یک موعده را برای اخراج باید قرار داد و با ماده اول هم موافقت میکند و اگر این را در نظامنامه یا تبصره توضیح بدهید خیلی بهتر است که ذکر شود اگر از عهده امتحان بر نیامد اخراج میشود و منافاتی هم با مستخدم رسمی بودن ندارد

مخبر کمیسیون داخله - شما مقصودتان از مستخدم رسمی - که میفرمائید چیست؟ مگر غیر از اینکه بموجب قانون مستخدم رسمی است! قانون اختیار میدهد به نظمیہ که اگر کسی نتوانست از عهده انجام وظیفه خودش بر آید نظمیہ حق داشته باشد او را اخراج نماید پس باز اخراج او از روی قانون است همانطور که قانون اینها را مستخدم رسمی میشناسد همانطور هم مورد اخراج را قانون معین میکند و ماده ۵ این اختیار را میدهد به نظمیہ که اگر مستخدمی

را به بند لایق نیست او را اخراج کند برای اینکه پول ببخورد نهد و از دولت حقوق نگیرد و این تبصره ماده ۵ این اختیار را میدهد

رئیس - آقای ملک موافقت میکنید؟

ملک مدنی - نه خیر. عرض کنم بعقیده بنده آقای

مخبر توجه نمیکنند اعتراضاتی که میشود اینجا در ماده اول شما افراد پلیس را مستخدم رسمی شناخته اید یک نفر و قبلیکه آمد مستخدم رسمی شد مثالش را بنده عرض میکنم یک نفریکه آمد و وارد شد دو دوره هم که شش سال باشد اینجا مستخدم شد و کار کرد و حقوق تقاعد هم داد یکماه باخر انقضای شش سال مانده این را دولت اخراج کرد این آدم در واقع حقوق تقاعد داده شش سال هم مستخدم رسمی دولت بوده و این بکلی حقوق تقاعدش از بین رفته است وقتی که ما قائل شدیم اینها مستخدم رسمی هستند باید همانطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند برای دوره آزمایششان یک مدتی معین کنید به عقیده بنده باید یک تبصره اینجا زیاد کرد که اشخاصی که مستخدم و وارد نظمیہ می شوند در ظرف سه ماه می توانند اینها را خارج کنند و بعد از اینکه سه ماه گذشت دیگر اینها مستخدم دولتی هستند و نباید متعرض آنها باشند به عقیده بنده افراد پلیس بیشتر از سایر مستخدمین بایستی سوابق خدمتشان مراعات شود برای اینکه آنها بیشتر جاهشانی می کنند و خدماتشان زیادتر است و حالا که دولت آمده و خواسته است آنها را مستخدم رسمی بشناسد باید طوری باشد که اینها مستخدم باشند و این تبصره بکلی قسمت اول این لایحه را از بین می برد هم با لایحه مخالف است و هم حقیقتاً یک نوع بی اعتدالی است نسبت با افراد پلیس حالا دوره آزمایش را در قانون سه ماه قائل شده اند شش ماه قائل شوند اگر خیلی افراط نخواهیم قائل شویم باید بگوئیم که در ظرف شش ماه اگر چنانچه یک فردی نا لایق شد و اداره خواست او را خارج کند حق داشته باشد ولی بعد از شش ماه دیگر حق نداشته باشد.

وثوق (مخبر کمیسیون داخله) - خود آقا در کمیسیون

تشریف داشتند و در این ماده مذاکره فرمودید موقیمیکه داو طلبین بخدمت مطابق آن ماده سه ماه باید تعلیمات در مدرسه نظمیہ یاد بگیرند و خدمات نظمیہ را بکنند و یک عده که می پذیرند تاسه سال ورقه تعهد نامه مطابق ماده ۵ از آنها میگیرند و اگر چنانچه بنا شد دوره سه سال تمام شد و در ظرف یکماه از سال بعد گذشت و استعفاء نداد این اگر بخواهد استعفاء بدهد از برای نظمیہ مخارج هنگفتی تولید میکند زیرا از برای هر ده نفری که در سال ۳ یا ۴ استعفاء میدهند باز نظمیہ یکمدرسه اختصاصی باید تشکیل بدهد و آنها را تربیت بکند بعلاوه اینها را مختار کرده اند بعد از دوره سه سال که نایکماه حق دارند استعفاء بدهند اگر بعد از یکماه استعفا ندادند با آنها تکلیف میکنند و ورقه تعهدی از آنها میگیرند این در واقع مثل یک مستخدم جدیدی است که تازه وارد شده و ورقه تعهد از آنها میگیرند اگر ورقه تعهد داد مثل

طلوع .. صحیح است

رئیس - آقای دشتی موافقت؟

دشتی - بلی عرض کنم بنده هیچ دلیلی برای مخالفت با این تبصره نمی بینم و این را خیلی خوب میدانم شما میفرمائید دو نفر دارد یکی اینکه مخالف با قانون استخدام است این بکلی غلط است برای اینکه قانون استخدام ما فوق این قانون نیست این قانون هم که گذشت يك قانونی میشود مثل قانون استخدام یعنی مامورین نظمی هم مشمول این قانون خواهند بود پس این با قانون منافاتی ندارد اگر منافات داشت می گفتند مشمول این قانون خواهد بود پس قانون استخدام را دلیل قرارداد بکلی غلط است زیرا اینهم قانونی است مثل قانون استخدام یکی دیگر اینکه میفرمائید اصلاً اینکار بدی است بنده عقیده ندارم برای اینکه شما میفرمائید يك ماموری را آوردند و بعد هم بد کار کرد معذک ما عاشق چشم و ابروی بشویم و این را نگاهداریم خیر آقا این خیلی غلط است شما اگر يك نوکری داشته باشید او بوظیفه خودش اگر رفتار نکند شما بیرونش میکنید این يك امر خیلی طبیعی است شما اگر نوکری داشته باشید که او وظائف خودش را انجام ندهد چه میکنید؟ او را بیرونش میکنید نظمی هم میخواهد اینکار را بکند مؤسسات مملکتی هم باید سر مشق لیاقت بچردم بدهند وقتی مأمور کاملاً بوظایف خودش عمل کرده و تقوی بخرج داده است او را باید نگاه داشت و حقوق تقاعد داد ولی اگر نالایق بود باید بیرونش کنند مخصوصاً مأمورین نظمی که با نوامیس مردم سروکار دارند باید تقوی داشته باشند و باید سر مشق مردم باشند از این جهت این چیزی است که اگر لایق نباشد باید نظمی او را بیرون کنند

رئیس - آقای بیات

بیات .. موافقم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی .. موافقم ولی ...

رئیس .. ولی دیگر ندارد . آقای اعتبار

اعتبار .. عرض کنم اینجا صحبت مخالفت و موافقت نبوده است مقصود توضیح قضیه است که در اجراء دچار اشکال نشویم اینجا در ماده ۵ مینویسد از افراد در موقع ورود بخدمت باید ورقه تعهد نامه بگیرند که تا سه سال حق استعفای از خدمت ندارند و پس از انقضاء مدت سه سال باز بانها اخطار می کنند در صورتیکه خواستند بمانند باز يك تعهد نامه دیگری از آنها گرفته خواهد شد و اگر چنانچه این ترتیب نشد و يك ماه از سه سال گذشت دیگر نمیشود استعفا بدهد بعد از ۶ سال چه طور میشود و این چه حالی خواهد داشت در سال دوم هم یکفردی تعهدش را امضاء کرده و این دوره هم گذشت یعنی شش سال گذشت باز بایست از او تعهد نامه گرفته شود یا خیر اگر باید گرفته شود در اینجا باید توضیح داده شود تا مطلب روشن شود و باید معلوم شود که آن فرد حق دارد کمناره بگیرد یا نه اگر کمناره گرفت برای او حقوقی منظور است از نقطه نظر خدمت شش ساله اش یا خیر بعقیده بنده هر قدر آقای وزیر در این موضوع توضیح بدهند بهتر است و در عمل دچار اشکال نمیشویم

وزیر داخله .. عرض کنم این ماده همانطور که میفرمایند معین است اینجا نوشته در ظرف یکماه بعد از سه سال یعنی اگر مکرر شد این سه سال یکماه از برای او مدت قرار گذاشته شده اگر در یکماه استعفا داد که هیچ و اگر نشد باز سه سال تجدید میشود

رئیس .. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره بماده اضافه شود

تبصره - پس از پذیرفتن داوطلب تا ۶ ماه داوطلب امتحان میشود در این مدت اگر از عهده امتحان بر نیامد اخراج میشود

رئیس .. ماده ۶

ماده ۶ - مراتب خدمت بقرار ذیل است

نمره افراد ردیف افراد

۱ تا باین درجه ۳

۲	تا باین درجه ۲	ردیف افراد
۳	۱	
۴	وکیل درجه ۳	مفتش درجه ۶
۵	۲	
۶	۱	

رئیس - اشکالی نیست ماده ۷ قرائت میشود

ماده ۷ - بدون طی رتبه مادون برتبه مافوق نمیتوان ارتقاء یافت افرادی که در جریان خدمت و ایفای وظیفه لیاقت و استحقاق خود را بمرض ظهور رسانیده باشد مطابق مقررات فصل دوم مستحق ترفیع رتبه خواهد بود

رئیس - ماده ۸ قرائت میشود

ماده ۸ مقرر میماند افراد مذکور در ماده (۶) بر طبق بودجه مصوبه در هر سال معین میشود

رئیس - اشکالی نیست ماده ۹ هم

ماده ۹ - افراد و ردیف افراد سالی پانزده روز حق مرخصی با استفاده از حقوق دارند ترتیب استفاده از مرخصی

های سالیانه را نظامنامه های اداری معین خواهد نمود: رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه ختم شود (صحیح است)

[۴ - تقدیم يك نظره لایحه از طرف معاون وزارت عدلیه]
معاون وزارت عدلیه (آقای بهرامی) - لایحه است

راجع بانبات انحصار وراثت تقدیم میشود

[۵ - موقع جلسه بعد ختم جلسه]

رئیس - چون کارهایی داریم که دو شوری است و هر يك از آنها هم دارای مواد زیادی است ما برای اینکه بتوانیم بانجام وظیفه مان کاملاً نائل شویم ناچاریم در شور اول قدری تسریع کنیم تا اینکه بشور دوم لوایح هم نائل شویم بنا بر این اگر موافقت میفرمائید سه شنبه ۲۵ هم جلسه باشد (صحیح است)

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر